آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۱۵۷
شنبه
۲۸ • ۰۴ • ۱۴۰۴
۲۳ محرم ۱۴۴۷ / ۱۹ جولای ۲۰۲۵

گزارش

عبدالرضا فرجی‌راد:

عقب انداختن مذاکرات به نفع ما نیست

ایران با اروپایی‌ها وارد مکالمه شود

دونالد ترامپ، اخیرا با موفق خواندن حمله به تأسیسات اتمی ایران گفته است ایرانی‌ها مایل به مذاکره‌اند اما ما عجله‌ای نداریم. این ادعای ترامپ در شرایطی مطرح می‌شود که پیش از این از سوی وی و ویتکاف، مذاکره کننده آمریکا، ابراز تمایل آشکار برای آغاز دور جدید مذاکرات مطرح شده بود. کمی پیش از این اظهار نظر دونالد ترامپ، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، اعلام کرد آمریکا برای از سرگیری مذاکره پیام‌های متعددی ارسال کرده است و درهای دیپلماسی هیچ‌وقت بسته نیست. مسعود پزشکیان، نیز در شبکه اجتماعی بر باز بودن درهای دیپلماسی تاکید کرده است. با توجه به نزدیک شدن به مهلت‌های واپسین برای فعال شدن مکانیسم ماشه، پرسش‌هایی در زمینه مذاکرات ایران و آمریکا و اهمیت پیشگیری از اجرای مکانیسم ماشه مطرح است.

ترامپ خواستار مذاکره

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: به طور کلی روحیه ترامپ همیشه همین طور است که در ظاهر طاقچه بالا می‌گذارد، اما در پشت صحنه رفتارهایی می‌کند که مذاکرات آغاز شود. در رابطه با روسیه نیز همین رفتارها را شاهدیم. ترامپ حدود یک ماه پیش گفت من دیگر با روسیه کاری ندارم و جنگ را به اروپایی‌ها واگذار می‌کنم اما دیدیم که دوباره با پوتین تماس گرفت. در رابطه با ایران نیز تا جایی که می‌دانم ترامپ از طریق ویتکاف به طور مستمر در تماس است تا مذاکرات انجام شود. عبدالرضا فرجی‌راد گفت: حتی به دنبال مذاکرات مستقیم هستند. درست است که اکنون، آمریکا مدعیست سایت‌های هسته‌ای ایران را بمباران کرده و خیالشان از غنی‌سازی راحت‌تر شده است اما از طرفی دیگر می‌بینند که دستاویزی به نام «مکانیسم ماشه» وجود دارد که می‌توانند با فعال کردن آن، به ایران فشاری جدید وارد کنند. وی افزود: با این وجود یک گزینه انحرافی هم وجود دارد. اگر مکانیسم ماشه فعال شود و ورق به طور کامل به ضرر ایران برگردد، مسئله دستاورد برای ترامپ چه می‌شود؟ ترامپ به دنبال دستاوردهایی در محورهای مختلف است. از اوکراین و غزه تا ایران. بنابراین من معتقد نیستم که ترامپ عمیقا با ادامه مذاکرات مخالف است، چه بسا دوست دارد مذاکرات منتهی به دستاوردی برای ایالات متحده شود.

مکانیسم ماشه

سفیر پیشین ایران در نروژ و مجارستان بیان کرد: این حقیقت را نمی‌توان کتمان کرد که مکانیسم ماشه و فعال سازی آن یک ابزار خوب برای اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها محسوب می‌شود که با فعال سازی آن به ایران اعمال فشار کنند. اما مسئله این است که با فعال شدن مکانیسم ماشه، ایران از کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز خارج می‌شود. این به معنای احتمال افزایش تنش و درگیری در منطقه است و به معنای چیزی است که اروپایی‌ها همیشه از آن فراری بوده‌اند. اگر ایران از NPT خارج شود، منافع اروپایی‌ها نیز در خطر قرار می‌گیرد. خارج شدن اوضاع از کنترل آژانس برای اروپایی‌ها مطلوب نیست، اما اگر ایران و ایالات متحده به توافق نرسند، هماهنگی اروپا و ایالات متحده در خصوص مکانیسم ماشه بالاتر می‌رود و احتمال فعال سازی نیز افزایش پیدا می‌کند. وی افزود: «با توجه به وقت اندکی که برای فعال سازی مکانیسم ماشه وجود دارد، هر گفت‌وگو، هر مذاکره و هر دیپلماسی در شرایط فعلی بسیار مهم و حساس است. البته مکانیسم ماشه‌ای که این‌ها راه می‌اندازند، غیرقانونی است. یک برجامی بود که به امضا رسید و قرار بود ایران تحت نظر آژانس، غنی‌سازی ۳. ۶۷ درصدی داشته باشد. ترامپ از برجام خارج شد، اروپایی‌ها هم به تعهدات خود عمل نکردند. ایران نیز برای اینکه به این رفتارها واکنش نشان دهد، اورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی کرد. بنابراین اکنون ایران می‌گوید شما نقض قطعنامه ۲۲۳۱ را انجام دادید و ما هم بعد از مدتی که صبوری کردیم، تعهدات خود را نادیده گرفتیم. بنابراین اول آنها شروع کردند. اکنون ایران اعلام آمادگی کرده به تعهدات برجامی بازگردد. بنابراین چه مفهومی دارد که مکانیسم ماشه فعال شود؟ این کارشناس ارشد سیاست خارجی تصریح کرد: تاکید من بر این است که لازم است طرف ایرانی هر چه سریعتر با اروپایی‌ها وارد مکالمه شود. ایران باید اروپایی‌ها را توجیه کند و مسائل مهم را با چین و روسیه نیز به اشتراک بگذارد تا در شورای امنیت فعال شوند. چین و روسیه نباید مواضع انفعالی اتخاذ کنند. درست است که این دو کشور امکان وتو بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ یا برجام را ندارند، اما می‌توانند در شورای امنیت اعلام نظر کرده و تلاشهای دیپلماتیک را اجرا کنند. این طرز تفکر که بگوییم یا به سمت آمریکا برویم یا اروپا اشتباه است. باید همزمان با اروپا و آمریکا گفت‌وگو کنیم. هیچ نیازی نیست جزئیات مذاکره را در بوق و کرنا کنیم و حتی اگر لازم است باید مذاکرات مستقیم را آغاز کنیم. اروپا و آمریکا روز به روز در حال نزدیک‌تر شدن عقاید و کاهش اختلافات درباره ایران هستند و عقب انداختن مذاکرات به نفع ما نیست.

عبدالرضا داوری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نفوذ در دولت احمدی نژاد اوج گرفت

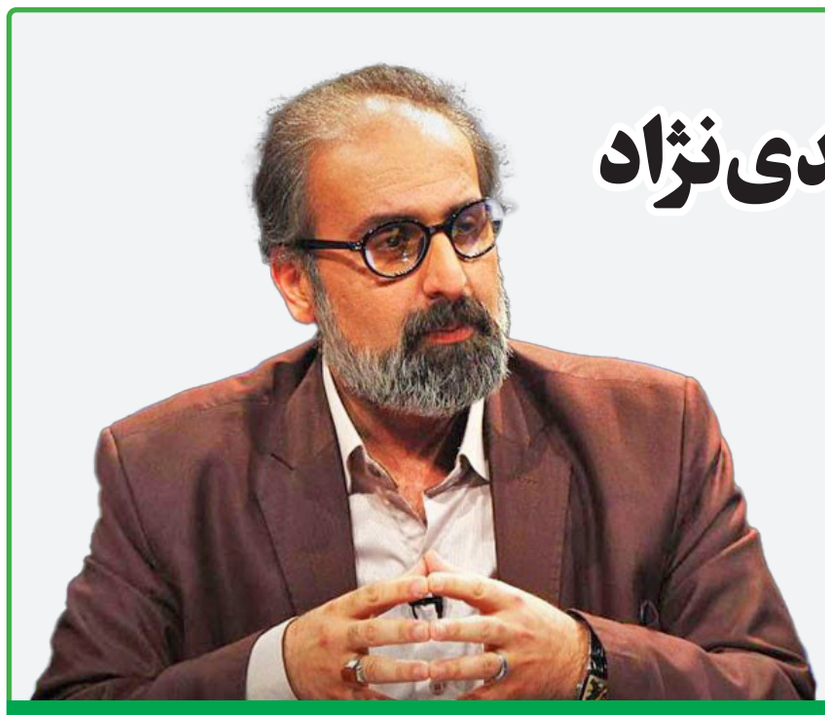

نفوذ ترکیبی از نفوذ عملی و تکنولوژیک است

نفوذ تا تغییر ریل کشور در دولت احمدی نژاد اوج گرفت

آرمان ملی: در شرایط جنگی، مقامات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی مسئولیت اداره رزمی- اطلاعاتی کشور را عهده‌دار هستند. اگر به این افراد خدشه‌ای وارد شود، به نفع دشمن است. عموما این افراد در شرایط جنگی و در خط مقدم مدیریت کشور در عرصه‌های مربوطه عمل می‌کنند. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در همان ساعات اولیه جنگ به شهادت رسیدند؛ با این وجود، در کمتر از چند ساعت، نیروهای نظامی کشور سکان هدایت جنگ را در دست گرفتند و ضربات مهلکی به اسرائیل وارد کردند. بر اساس اطلاعات منتشر شده از ایران، پس از برخورد موشک‌های نهایی ایران در روز آخر به تل‌آویو و پایگاه‌های آمریکایی، در نهایت آنها درخواست آتش‌بس دادند و جنگ فعلاً به پایان رسیده است. پس از جنگ، به دلیل صدماتی که به نیروهای ارشد نظامی ایران وارد شد، بار دیگر مسأله نفوذ مطرح شده است. کارشناسان این سؤال را مطرح می‌کنند که سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل تا چه حد در ایران نفوذ دارند که توانسته‌اند مقر عملیاتی نیروهای نظامی ایران را هدف قرار دهند؟ همچنین بر اساس اخبار منتشر شده، جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران نیز مورد رصد اسرائیل قرار گرفته و محل برگزاری این جلسه که سران قوا و شخصیت‌های امنیتی کشور در آن حضور داشتند، مورد حمله واقع شده است. تمام این موارد نشان می‌دهد که به رغم قدرت اطلاعاتی مناسب ایران، نفوذ جدی در سطح اطلاعاتی داخل کشور وجود دارد. اگر این مسأله بررسی نشود و عملیات ضد جاسوسی برای پاکسازی این عناصر صورت نگیرد، بدون شک در آینده شاهد ضربات بیشتر، ترورهای سیاسی و حتی تهدیدات امنیتی و نظامی در ایران خواهیم بود. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوعات با عبدالرضا داوری، کارشناس مسائل سیاسی، گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می‌خوانید.

در روزهای گذشته شاهد جنگ تحمیلی از سوی اسرائیل و سپس آمریکا علیه کشورمان بودیم. این جنگ در اوج مذاکرات صورت گرفت و اکنون برخی معتقدند مذاکره فریب بوده، اما مواضع روشنی از رهبری انقلاب اخیراً شنیده‌ایم که تأکید کردند در جنگ و مذاکره با دست خالی بیرون نمی‌آییم. با این وجود مذاکره با آمریکا به کجا خواهد رسید؟

خط نفی مذاکره به صورت کلی در نظام جمهوری اسلامی مورد پذیرش نیست. ممکن است در دوره‌هایی به دلایل سیاسی، مذاکرات با تأخیر مواجه شده باشد، اما در هیچ دوره‌ای، چه در دوران رهبری اول و چه در دوران رهبری دوم، اصل مذاکره نفی نشده است. جریانی که به دنبال نفی مذاکره و دیپلماسی است، از ابتدای انقلاب رویکردهایی داشته که موجب افزایش تنش بوده و شائبه‌های فراوانی در این خصوص ایجاد شده است. اکنون جدی‌ترین دشمن ایران، رژیم اسرائیل است. همان طور که این رژیم به دنبال «ایران هراسی» است و می‌خواهد ایران را یک تهدید جهانی نشان دهد، جریان‌هایی که دیپلماسی و مذاکره را به طور مطلق نفی می‌کنند و تنها راهکار را برخورد نظامی و امنیتی می‌دانند، در راستای اهداف رژیم صهیونیستی عمل می‌کنند. رهبری انقلاب اسلامی به روشنی مشخص کرده‌اند که چه باید کرد. تأیید آیت‌ا... خامنه‌ای بر مذاکره و دیپلماسی هوشمند، مرزبندی ایشان با جریان ضد دیپلماسی را مشخص کرده است.

آیا واقعا مذاکره در آینده خطر جنگ دوباره را از بین می‌برد؟

اخیراً آقای بلینکن در گفت‌وگو با خانم امان‌پور، خبرنگار برجسته، اعلام کرد که ایران در مذاکرات پیش از جنگ به مجموعه‌ای از نرمش‌ها نزدیک شده بود. حتی در مورد سطح غنی‌سازی نیز بر اساس ادعای او صحبت‌هایی صورت گرفته بود، اما به همحض رسیدن ایران به نقطه خاصی از مذاکرات، رژیم صهیونیستی با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، روند مذاکرات را مختل کرد. بنابراین، رژیم صهیونیستی با اصل مذاکره مشکل دارد و نمی‌خواهد ایران در چارچوب حقوق بین‌الملل عمل کند. آنها ترجیح می‌دهند ایران در موقعیتی قرار گیرد که زیر ضربات نظامی باشد.

در ساعات اولیه جنگ، اسرائیل به‌صورت برنامه‌ریزی شده فرماندهان عالی نظامی و امنیتی ایران را هدف قرار داد. آیا این نشان‌دهنده نفوذ در ساختار امنیتی ایران است یا صرفا برتری تکنولوژیک و جنگ الکترونیک اسرائیل؟

> ممکن است در دوره‌هایی به دلایل سیاسی، مذاکرات با تأخیر مواجه شده باشد، اما در هیچ دوره‌ای، چه در دوران رهبری اول و چه در دوران رهبری دوم، اصل مذاکره نفی نشده است

ضربه اخیر، به‌ویژه در شهادت فرماندهان نظامی و امنیتی ایران، ترکیبی از نفوذ و تکنولوژی بود. اسرائیلی‌ها هم از عناصر نفوذی در سطوح مختلف استفاده کردند و هم به دلیل اتصال به تکنولوژی آمریکا، از برتری فناوری بهره بردند. ما شاهد بودیم که آقای جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، پرده از بخشی از این نفوذ برداشت. سازمانی که او اشاره کرد، زمانی شکل می‌گیرد که نفوذی‌ها با ظاهر و گفتاری خاص وارد میدان شوند. یک زن بی‌حجاب و آرایش‌کرده نمی‌تواند نفوذ کند، اما زنی با پوشش کامل می‌تواند. فردی که کروات می‌زند یا انگشتر طلا استفاده می‌کند، در ساختارهای تصمیم‌گیری راه نمی‌یابد، اما کسی که ظاهر خاصی دارد، با رعایت برخی ویژگی‌های شناخته شده در پوشش و با ادبیات تند، می‌تواند نفوذ کند. نفوذ در ظاهرگرایی و ادبیات افراطی رخ می‌دهد. وقتی بیش از حد به ظاهر و شعارهای تند توجه شود، راه برای نفوذ باز خواهد شد. باید شیوه ارزیابی تعهد افراد بازبینی شود. صرف داشتن ظاهر مذهبی و ادبیات انقلابی نباید ملاک اعتماد باشد، زیرا دشمن از همین راه، عوامل خود را در حساس‌ترین نقاط نفوذ می‌دهد.

> رژیم صهیونیستی با اصل مذاکره مشکل دارد و نمی‌خواهد ایران در چارچوب حقوق بین‌الملل عمل کند. آنها ترجیح می‌دهند ایران در موقعیتی قرار گیرد که زیر ضربات نظامی باشد

پس فکر می‌کنید نفوذ آنقدر جدی است که نفوذی‌ها در هر نقطه حضور دارند؟

برای تحلیل این موضوع، باید به سال ۱۳۸۴ به بعد بازگردیم. از این سال به بعد، با ادبیاتی که دولت احمدی‌نژاد وارد ساختار اجرایی کشور کرد، ریل حکمرانی در ایران تغییر کرد. اساس نفوذ در همین دوره شکل گرفت. نفوذی‌ها ممکن است ضربات نقطه‌ای مانند ترور مقامات نظامی بزنند، اما نفوذ واقعی آنجاست که ریل کشور تغییر می‌کند. از سال ۱۳۸۴، مسیر حکمرانی از توسعه به سمت پروژه‌های مبتنی بر نگاه‌های آخرالزمانی منحرف شد. برخی آن زمان معتقد بودند باید با آمریکا تنش ایجاد کرد تا جنگ رخ دهد تا به مرحله نهایی تاریخ برسیم. این نگاه، ایران را وارد چرخه تحریم‌ها و بحران‌ها کرد. نفوذ اصلی، ایجاد شکاف بین مردم و تغییر مسیر جمهوری اسلامی بود. قبل از ۱۳۸۴، مسأله اصلی ایران توسعه بود، اما پس از آن، با ادبیاتی مانند انکار هولوکاست و... مسیر کشور عوض شد. نفوذ نقطه‌ای همیشه وجود داشته (مانند انفجار حزب جمهوری در ۱۳۶۰)، اما آنها نتوانستند راهبرد کلان نظام را تغییر دهند. پس از ۱۳۸۴، بحران آغاز شد و اکنون باید به مسیر پیش از ۱۳۸۴ بازگردیم و پروژه توسعه را کلان راهبرد ایران قرار دهیم.

اکنون زمزمه‌های مذاکره مجددا مطرح شده. با اظهارات اخیر ویتکاف، عراقچی و حتی ترامپ، آیا میز مذاکره احیا خواهد شد؟ آیا عراقچی می‌تواند این مسیر را ادامه دهد یا باید از تجربیات گذشته استفاده کرد؟

کارگزاران مذاکره احتمالاً همان ترکیب فعلی خواهند بود، اما مسأله اصلی راهبرد مذاکره است که باید توسط شورای عالی امنیت ملی تصویب و توسط مقام رهبری تأیید شود. اگر شورای عالی امنیت ملی بخواهد راهبرد مذاکرات را تسهیل کند، باید از تجربیات گذشته، از مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ تا پرونده هسته‌ای، استفاده کند. در اینجا، تجربه دکتر حسن روحانی را نمی‌توان نادیده گرفت. او از دوران جنگ تا کنون، مذاکره‌کننده اصلی ایران بوده است. نظرات این مذاکره‌کننده ارشد باید در شورای عالی امنیت ملی شنیده شود. تجربه او در تعیین راهبرد مذاکرات، بسیار راهگشا خواهد بود.

مهدی ذاکریان مطرح کرد:

تنها راه عبور از این بحران بازگشت به مردم است

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در رابطه ارزیابی خود از احتمال آغاز مجدد گفت‌وگوهای ایران و آمریکا اظهار داشت: ایالات متحده هیچ شرطی از سوی ایران را نمی‌پذیرد و اگر می‌خواستند، شروط ایران را بپذیرند حمله نمی‌کردند. این حمله برای این بود که ایران را وادار کنند بی‌قید و شرط در چارچوب و چارتی که آمریکا در مسائل هسته‌ای تحت مدیریت ترامپ ارائه می‌کند مسائل را بپذیرد. مذاکرات برای این است که شروطی که مدنظر ایالات متحده است به ایران اعلام شود و برعکس. از آغاز دور اول تا دور پنجم مذاکرات، مشاهده می‌کنید که در این مراحل چه دیکته‌هایی از سوی ایران به آمریکایی‌ها ارائه شده و چه دیکته‌هایی از سوی آمریکایی‌ها به ایران ارائه شده است. مهدی ذاکریان گفت: آخرین مرحله و آخرین گام، گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بوده است. ایران اعلام کرده که حالا که این گزارش را آژانس ارائه داده و شورای حکام این قطعنامه را صادر کرده است، غنی‌سازی را به ۶۰ درصد افزایش می‌دهیم و مقدار زیادی هم ذخیره اورانیوم داریم. بلافاصله پس از این اعلام، اسرائیل حمله کرد؛ یعنی با فاصله یک روز حمله صورت گرفت و سپس در فاصله کوتاهی، آمریکایی‌ها هم وارد این جنگ شدند. این دیکته‌ای بود که ایران نپذیرفت و اولین موضوعی که ایران آن را نپذیرفت، با یک تهاجم از سوی اسرائیل و ایالات متحده مواجه شد. وی در خصوص نقش اروپایی‌ها و سایر کشورهای ذی‌نفوذ در مذاکرات ایران و آمریکا عنوان کرد: این کشورها مخالفان تابلودار ایران هستند و این مخالفان کار ایران را راحت می‌کنند، ایران می‌تواند با این کشورها وارد مذاکره شود و خواست آن‌ها را تأمین کند. به عنوان مثال، ایران می‌تواند با ترامپ درباره حل مسأله غزه صحبت کند و می‌تواند از این نفوذ خود استفاده کند و با آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها در موضوع اوکراین نقش مثبتی ایفا کند و به عنوان یک بازیگر سازنده به دنبال پایان جنگ باشد. با روسیه مذاکرات خود را آغاز کند تا مسائل اوکراین به یک پایان مناسب برای طرفین ختم شود و نقش مثبت خود را در مسائل بین‌المللی ایفا کند و از آنها امتیاز بگیرد، اما آنهایی که مخالف بدون تابلو ایران هستند، مانند روسیه، چین، کشورهای عربی منطقه، آذربایجان و ترکیه، به طور شفاف و آشکار اعلام می‌کنند که ایران مورد تجاوز قرار گرفته، اما در عمل هیچ کاری انجام نمی‌دهند. همچنین، پاکستان هم در این زمینه قابل ذکر است. این کارشناس ارشد سیاست خارجی در رابطه با اقدامات موثری که کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانستند در جنگ ۱۲ روزه انجام دهند اظهار کرد: مجامع بین‌المللی هیچ اقدامی انجام ندادند؛ نه بریکس بیانیه‌ای صادر کرد، نه شانگهای، نه شورای امنیت، نه مجمع عمومی، نه اتحادیه عرب، نه سازمان همکاری اسلامی و نه شورای همکاری خلیج فارس و نه اکو. برخی از آنها بعد از جنگ بیانیه دادند که این بیانیه‌ها تنها در حد شعار بود و وقتی بود که می‌دانستند جنگ تمام شده است. وقتی می‌گوییم بیانیه، به معنای یک اقدام عملی است؛ یعنی باید کمکی به شما کرده باشند، در حالی که هیچ کمکی نکردند.

ایران مخالفان پنهانی دارد که از پیشرفت آن احساس باخت می‌کنند

ذاکریان با تاکید بر این موضوع که ما مخالفان پنهانی در مواجه با مسائل بین‌المللی خود داریم، بیان کرد: مخالفان تابلودار ایران خواسته‌هایشان مشخص و وضعیت تاریخی‌شان روشن است. مخالفان پنهان کسانی هستند که از دوستی دم می‌زنند، اما حتی در فضایی صلح‌آمیز، یعنی زمانی که جنگ و مناقشه‌ای وجود ندارد، از پیشرفت و توسعه ایران احساس باخت و زیان می‌کنند. کما اینکه در دوره شاه، پاکستان، ترکیه و عربستان کشورهایی بودند که نسبت به تحولات وسیع و موفقیت‌هایی که در ایران از نظر نظامی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی وجود داشت، حسادت می‌کردند و ایران را به عنوان کشوری که در حد ژاپن در حال رشد است، تصور می‌کردند و نسبت به این موضوع متاثر بودند. این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که آیا به نظر شما ایران باید شروط و خواسته‌های آمریکا را بپذیرد، بیان کرد: اتفاقا موافق نیستم که ایران تمام شروط را بپذیرد و بیگانگان برای ما تعیین تکلیف کنند. اما باید واقع‌بین باشیم که در حال حاضر بیگانگان مشغول دیکته کردن هستند. من می‌گویم، تسلیم نه، پاسخ من این است که تسلیم کاملاً نامطلوب است. بیگانگان حق ندارند برای ملت ایران تصمیم بگیرند. باید عزت خود را حفظ کنیم. تنها راه این است که نظام حکمرانی ایران تحول بنیادین پیدا کند و بیشتر ملت محور شود. باید به مطالبات مردم ایران توجه شود و خواسته‌های آنها تأمین گردد. اگر یک نظام حکمرانی مبتنی بر حمایت مردمی و آرای ملت باشد، تمام قدرت‌های بزرگ، متوسط و کوچک دنیا و همسایگان به ایران روی خواهند آورد. عظمت ایران به جامعه مدنی، تمدن و فرهنگ شکوفای ایران بستگی دارد و این زمانی محقق می‌شود که حمایت مردمی برای آن نظام سیاسی استحصال گردد. تنها راه عبور از این بحران، بازگشت به مردم ایران و توجه به نظرات آنها در زمینه حکمرانی و تنظیم روابط خارجی با سایر کشورها است.

ذره بین

رقابت خاموش بر سر آینده سوریه

ترامپ و نتانیاهو در دمشق مسیرهای متفاوتی دنبال می‌کنند

به نظر می‌رسد اسرائیل و ایالات متحده، مسیرهای متفاوتی را در سوریه در پیش گرفته‌اند. در حالی که این دو متحد هنوز با یکدیگر در مسیر برخورد قرار نگرفته‌اند، اما مقامات فعلی و سابق عرب، آمریکایی و اسرائیلی می‌گویند که اختلافات موجود می‌تواند برنامه‌های بزرگ دولت ترامپ را دچار پیچیدگی کند. میدل ایست‌ای نوشت؛ روز چهارشنبه، اسرائیل حملات هوایی شدیدی را علیه دمشق انجام داد و بخشی از ساختمان وزارت دفاع را منفجر کرد و اهدافی نزدیک کاخ ریاست جمهوری را هدف قرار داد. اسرائیل این حملات را تلاشی برای محافظت از اقلیت دروزی سوریه توصیف کرد. این حملات نشانه‌ای از تشدید قابل توجه اقدامات اسرائیل علیه دولت احمد شرع رئیس جمهور سوریه به حساب آمد. این اتفاق در حالی افتاد که او در حال گرم کردن روابط خود با آمریکا و گسترش تماس‌های امنیتی‌اش با اسرائیل بود. دارین خلیفه، مشاور ارشد گروه بحران بین‌المللی، به وب‌سایت میدل ایست ای گفت: اسرائیل و آمریکا قطعاً در یک مسیر قرار ندارند.

درخواست دروزی‌ها

اسرائیل مدعی شد که این حمله در پاسخ به درخواست‌هایی از طرف دروزی‌های ساکن اسرائیل برای مداخله صورت گرفته است؛ جمعیتی که حدود ۱۵۰ هزار نفر را شامل می‌شود. یکی از چهره‌های برجسته دروزی سوریه، شیخ حکمت سلمان الحجری، که روابط نزدیکی با اسرائیل دارد، خواستار حمایت بین‌المللی شده بود و گفته بود که اقلیت دروزی با جنگی تمام‌عیار برای نابودی روبه‌روست.

با این حال، دیگر رهبران دروزی سوری، مداخله اسرائیل را رد کرده‌اند. یکی از دیپلمات‌های آمریکایی در منطقه که تحولات را زیر نظر دارد به میدل ایست ای گفت: قطعاً فشار واقعی از سوی دروزی‌ها در داخل اسرائیل برای مداخله وجود دارد. اما صرف نظر از اینکه این فشار واقعی است یا نه، نتیجه یکسان است: ایجاد یک منطقه نفوذ برای اسرائیل در سوریه. این یعنی دیکته کردن اینکه سوری‌ها کجا می‌توانند تانک بگذارند و کجا نه.

وقتی از ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا، درباره حملات اسرائیل و بی‌ثباتی موجود در این کشور جنگ‌زده سؤال شد، او از اظهارنظر خودداری کرد و خبرنگاران را به وزیر خارجه‌اش، مارکو روبیو، ارجاع داد. ساعاتی قبل‌تر، روبیو سعی کرده بود حملات و وضعیت امنیتی بدتر شده را صرفا یک سوءتفاهم توصیف کند.

همه راه‌ها به دمشق ختم می‌شود

حرکت اسرائیل برای تثبیت نقش خود به عنوان قدرت حامی دروزی‌ها در بخشی از جنوب سوریه، در تضاد با چشم‌انداز دولت ترامپ است. اوایل سال جاری، ایالات متحده درخواست‌های اسرائیل برای باقی ماندن نیروهای بیشتر در شمال شرقی سوریه را رد کرد. در آنجا نیروهای کرد در حال لابی کردن برای خودمختاری بیشتر هستند. دولت ترامپ می‌خواهد حضور نظامی خود در سوریه را کاهش دهد و اطمینان داشته باشد که این کشور—که ترکیبی از مسیحیان، مسلمانان، دروزی‌ها و کردهاست—تنها یک مرکز قدرت مشخص و مورد حمایت متحدان آمریکایی مانند ترکیه عضو ناتو، قطر ثروتمند و عربستان سعودی داشته باشد.

تام باراک، میلیاردر لبنانی- آمریکایی و فرستاده ترامپ به سوریه و سفیر آمریکا در ترکیه، هفته گذشته در جمع خبرنگاران درباره سوریه چنین گفت: دروزی‌ها می‌خواهند سرزمین‌شان متعلق به آنها باشد، علوی‌ها هم همین طور، کردها هم به دنبال کردستان هستند. اما آنچه که سوریه و آنچه که دمشق می‌گوید این است که این اتفاق نخواهد افتاد: همه راه‌ها به دمشق ختم می‌شود.

خشونت فرقه‌ای

در واقع، سوریه از زمان سرنگونی بشار اسد در سال گذشته توسط احمد شرع رهبر سابق هیات تحریر الشام و پیش از آن شاخه القاعده در سوریه دچار خشونت‌های فرقه‌ای شده است. در ماه مارس، نیروهای امنیتی سوریه صدها نفر از علوی‌ها فرقه‌ای که اسد به آن تعلق داشت را در سواحل مدیترانه کشتند. در ماه ژوئن، دست‌کم ۲۵ نفر در بمب‌گذاری در کلیسای ارتدوکس یونانی مار الیاس کشته شدند. شرع به خاطر مدیریت ضعیف خود در واکنش به این حادثه مورد انتقاد قرار گرفت. با اینکه دولت ترامپ این حملات را محکوم کرد، اما تمرکز خود را بر برداشتن سریع تحریم‌ها و کاهش تنش‌های فرقه‌ای گذاشته است. میدل ایست‌آی فاش کرد که آمریکا نقش کلیدی در ترغیب ترکیه و اسرائیل به ایجاد یک خط کاهش تنش در سوریه داشته است.

نتانیاهو علیه ترامپ

دیپلمات‌های منطقه می‌گویند حملات اسرائیل رد مستقیم تلاش‌های ترامپ است. یکی از دیپلمات‌های عرب گفت: اسرائیلی‌ها در ظاهر با حرف‌های ترامپ درباره صلح همراهی می‌کنند، اما در واقع سوریه‌ای تکه‌تکه‌شده را ترجیح می‌دهند. به همحض اینکه فرصت یافتند، به حالت پیش‌فرض خود بازگشتند: پاره پاره کردن سوریه. تمایل اسرائیل برای بمباران دمشق، درحالی‌که هم‌زمان با سوری‌ها گفت‌وگو می‌کردند، به گفته دیپلمات‌های عرب و آمریکایی، نشان‌دهنده اختلاف نظر جدی میان این دو متحد درباره الشرع است.

یکی از دیپلمات‌های آمریکایی به مدیل ایست‌ای گفت: دولت ترامپ آمادگی بیشتری دارد که به احمد الشرع با حمایت ترکیه و عربستان فرصت بدهد، اما برای اسرائیلی‌ها، او یک فرد جهادی است. پس از برکناری اسد، اسرائیل حملات گسترده‌ای را در سوریه آغاز کرد. نتانیاهو سربازانی را به جنوب غربی سوریه فرستاد تا منطقه‌ای شامل منطقه حائل سازمان ملل در بلندی‌های جولان را اشغال کنند. اسرائیل بخش زیادی از این فلات استراتژیک را در جنگ ۱۹۶۷ اشغال کرده بود. دیپلمات‌های عرب و آمریکایی می‌گویند نخستین گام برای هرگونه عادی‌سازی روابط، بازگرداندن توافق جداسازی ۱۹۷۴ است؛ توافقی که منطقه حائل در مرز سرزمین‌های اشغالی و سوریه ایجاد کرد. برخی از بزرگ‌ترین حامیان عادی‌سازی حالا می‌گویند این روند در خطر است. جو ویلسون، نماینده جمهوری‌خواه کنگره آمریکا، روز چهارشنبه گفت: حملات غیرضروری اسرائیل باید فوراً متوقف شود. او این حملات را یک خودکشی برای اسرائیل خواند.